

رویارویی نظری گفتمان حقانیت حکومت در مکاتبات شاه اسماعیل صفوی و شییک خان ازبک

فاطمه سرخیل*

علی محمد ولوی**

چکیده

در ابتدای تشکیل دولت صفویه با توجه به شرایط جهان اسلام، تحولاتی در گفتمان‌های مذهبی ایجاد گردید. صفویان با رسمی کردن تشیع، جدایی مذهبی و استقلال ایران را در مقابل جهان تسنن بنیاد نهادند. با اعلام رسمی تشکیل حکومت شیعی، ازبکان، همسایگان شرقی ایران به عنوان یکی از نمایندگان گفتمان تسنن به مخالفت با آن پرداختند. به همین سبب جنگ و درگیری میان ایشان آغاز گردید. در ابتدای تشکیل دولت صفویه، هنگامی که شاه اسماعیل و شییک خان ازبک آماده رویارویی با یکدیگر می شدند نامه هایی میان ایشان رد و بدل گردید. نکته اصلی و دال مرکزی این نامه‌ها، حقانیت حکومت بود. این پژوهش برای شناخت مبانی نظری حقانیت حکومت در قرن دهم هجری در میان ایرانیان و ازبکان، با پرسش اصلی «گفتمان حقانیت حکومت در مکاتبات شییک خان و شاه اسماعیل بر چه اصولی استوار است؟» به بررسی نخستین مکاتبات شاه اسماعیل و شییک خان ازبک با استفاده از روش تحلیل گفتمان فوکو می‌پردازد تا منطق گفتمان‌ساز آنان برای کسب حقانیت حکومت و مهم ترین شاخصه‌های حقانیت قدرت از دیدگاه آنان مشخص شود.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان فوکو، شاه اسماعیل صفوی، شییک خان ازبک، مکاتبات، حقانیت حکومت.

* دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول)، fa.sarkheil@gmail.com

** استاد گروه تاریخ دانشگاه الزهرا، v.am144@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۲، تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۳

۱. مقدمه

از دیرباز تا کنون، یکی از ارکان اصلی نظام های سیاسی، موضوع حقانیت حکومت بوده است. توجه به این امر در آثار افلاطون و ارسطو، اندیشمندان بزرگ یونان باستان دیده می شود. در میان بزرگان مسلمان نیز، افرادی مانند فارابی (م. ۳۳۹ هـ)، ماوردی (م. ۴۵۰ هـ)، غزالی (م. ۵۰۵ هـ)، ابو علی سینا (م. ۴۲۸ هـ) و شیخ طوسی (م. ۴۶۰ هـ) به این موضوع توجه ویژه ای نشان می دهند.

حقانیت حکومت یکی از عوامل اصلی تثبیت حکومت ها به شمار می رود. اهمیت این امر سبب شده است در طول تاریخ، حکومت های مخالف بکوشند با غیر حق نشان دادن حکومت رقیب، نابودی و اضمحلال آن را زمینه سازی کنند. از طرف دیگر، حکومت ها با به کارگیری راه های گوناگون و تکیه بر عوامل مختلف در صدد توجیه حقانیت خود بر آمده اند. حقانیت حکومت و مشروعیت بیش از آن که امری عینی باشد، امری ذهنی است و بنا به باورها و ذهنیت های گوناگون حکومت شوندگان در جوامع مختلف، اشکال گوناگونی به خود می گیرد (عباس زارع، ۱۳۸۰: ۲۵). حقانیت حکومت با توجه به نوع باورهای پدید آمده نسبت به حکومت و عقاید جامعه نسبت به نظام سیاسی به انواع مختلفی تقسیم می شود. از صدر اسلام تا کنون در جوامع اسلامی با وجود اجماع مسلمانان بر ضرورت حکومت، درباره مبحث حقانیت حکومت، اجماع و اتفاق نظری وجود ندارد. پس از رحلت رسول گرامی اسلام (ص)، مهم ترین عامل اختلاف میان مسلمانان، موضوع امامت و خلافت بود (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۲۴/۱). ماجرای سقیفه منجر به تولید دوگفتمان حقانیت حکومت شد؛ یکی از دیدگاه اهل سنت و دیگری از دیدگاه شیعیان که هر دو تا عصر صفویه امتداد یافتند.

در ابتدای تشکیل دولت صفویه با توجه به شرایط جهان اسلام، تحولاتی در گفتمان های مذهبی جامعه اسلامی رخ داد. از زمان حمله مغول تا این عصر در سرزمین ایران، هژمونی گفتمان تسنن با دال مرکزی خلافت دچار ضعف شده و تا حدودی از بین رفته بود. در مقابل گفتمان تشیع که تا آن زمان در حاشیه قرار داشت به سمت هژمونیک و برجسته شدن پیش می رفت.

صفویان با رسمی کردن تشیع، جدایی مذهبی و استقلال ایران را در مقابل جهان تسنن بنیاد نهادند. با اعلام رسمی تشکیل حکومت شیعی، دولت های عثمانی و ازبک به عنوان

نمایندگان گفتمان تسنن به مخالفت با آن پرداختند و به همین سبب صفویان از آغاز حکومت تا پایان فرمانروایی درگیر برخورد با همسایگان سنی مذهب خویش بودند. ازبکان، همسایگان شرقی ایران، یکی از گروه‌هایی بودند که صفویان در تمام دوران حیات خویش، مجبور به ارتباط و برخورد با آنها شدند. اوج قدرت ازبکان به عنوان مهم‌ترین همسایه شرقی ایران با تشکیل سلسله صفویه در ایران مقارن شد. شیبک خان، حاکم قدرتمند ازبک که در زمان حیات سلطان حسین بایقرا از حمله به خراسان خودداری می‌کرد. حمله به خراسان و کرمان را به قصد کشورگشایی آغاز کرد و بدین ترتیب در مقابل شاه اسماعیل صفوی قرار گرفت. (خوانند میر، ۱۳۵۳: ۴/۳۱۶-۳۲۰؛ جهانگشای خاقان، ۱۴۰۶: ۳۲۵-۳۳۵؛ حسن بیگ روملو، ۱۳۵۹: ۱۱۹/۲).

هنگامی که شاه اسماعیل و شیبک خان آماده رویارویی با یکدیگر می‌شدند. چند نامه میان ایشان رد و بدل گردید. نکته اصلی و دال مرکزی این نامه‌ها، حقانیت حکومت (legitimacy) بود. هریک از طرفین در این نامه‌ها بر حقانیت حکومت خویش و ناحق بودن حکومت رقیب اصرار داشتند.

نخستین نامه را شیبک خان به شاه اسماعیل می‌نویسد و او را به جنگ فرا می‌خواند. تاریخ دقیق و قطعی آغاز مکاتبات مشخص نیست اما بیشتر محققان، سال ۹۱۳ ه.ق را به عنوان زمان آغاز مکاتبات می‌پذیرند (غفاری فرد، ۱۳۷۶: ص ۹۶).

در این پژوهش برای شناخت مبانی حقانیت حکومت در میان ایرانیان و ازبکان در نخستین سال‌های تشکیل سلسله صفویه، با پرسش اصلی «گفتمان حقانیت حکومت در مکاتبات شیبک خان و شاه اسماعیل بر چه اصولی استوار است؟» به بررسی نخستین مکاتبات شاه اسماعیل و شیبک خان ازبک با استفاده از روش تحلیل گفتمان فوکو می‌پردازیم تا منطق گفتمان ساز آنان برای کسب حقانیت حکومت و مهم‌ترین شاخصه‌های این امر از دیدگاه آنان مشخص شود.

۲. روش‌شناسی پژوهش

تحلیل گفتمان به طور کلی در دو سطح زبان‌شناسی و فلسفه سیاسی-اجتماعی کاربرد دارد. فوکو دو روش دیرینه‌شناسی (Archaeology) و تبارشناسی (Genealogy) را برای تحلیل گفتمان به کار می‌برد. شارحان آثار فوکو بر این باور هستند که دیرینه‌شناسی و تبارشناسی فوکو با یکدیگر همپوشانی دارند و مکمل یکدیگر هستند.

نظریه گفتمان فوکو بخشی از دیرینه شناسی او است. او در مطالعات دیرینه شناسی به دنبال قواعدی است که تعیین می کنند کدام گزاره ها در یک دوره خاص تاریخی به منزله گزاره هایی معنادار و صادق پذیرفته می شوند (یورگنس و فیلیپس، ۱۳۹۱: ۳۵).

با روش دیرینه شناسی، گفتمان های گوناگون و کنش های کلامی افراد را می توان تحلیل کرد. در دیدگاه فوکو، گفتمان، جملات یا گزاره ها و قضایای متنوع با معانی مختلف و کار ویژه های گسترده ای است که در چارچوب یک اپیستمه (Episteme) تولید می شود. هرگاه بین ابژه ها، انواع گزاره ها و مفاهیم، نوعی قاعده مندی منظم و ارتباط های متقابل تعریف شود با صورت بندی گفتمانی روبه رو هستیم. صورت بندی گفتمانی با چهار عنصر ابژه، وجوه بیانی (وجه مندی گزاره ها)، مفاهیم و راهبردها (استراتژی) شکل می گیرد (فوکو، ۱۳۹۲: ۵۹).

اولین عنصر صورت بندی گفتمانی، شکل گیری ابژه است که در آن قواعد حاکم بر موضوع شناسایی و بررسی می گردد (همان: ۶۴-۷۶). دومین عنصر، تشکیل وجوه بیانی (وجه مندی گزاره ها) است. چندین عامل در تعیین وجه گزاره ها تأثیر دارند. عامل نخست، حق اشخاص مشخص در استفاده از گفتار خاص و اصطلاحات ویژه است (همان: ۷۸، ۷۹). عامل دوم، نهادهای مشخصی است که گفتمان های خاصی از آنها صادر می شود (همان: ۷۹) و سومین عامل، موقعیت سوژه نسبت به ابژه است (همان: ۸۰).

عنصر سوم، مفاهیمی است که گفتمان به آنها می پردازد (همان، ص ۸۵). در این مرحله، شکل گیری مفاهیم پراکنده یک گفتمان بررسی می شود و ارتباط و تفاوت گزاره ها بررسی می گردد (همان: ۸۵-۹۰). عنصر چهارم، شکل گیری راهبردها (استراتژی) است (همان: ۹۶). در این مرحله، استراتژی راه حل برنده تعریف می شود (فوکو، ۱۳۹۰: ۴۳۳). برای بررسی شکل گیری استراتژی در درون یک صورت بندی گفتمانی باید به سه عنصر نقاط ممکن انکسار گفتمان (فوکو، ۱۳۹۲: ۹۹)، اقتصاد منظومه گفتمانی (همان: ۱۰۰) و حوزه کردارهای غیر گفتمانی (همان: ۱۰۲) توجه کرد.

۳. متن نامه های شیبک خان و شاه اسماعیل

در منابع تاریخی، چند متن به عنوان نامه های مبادله شده میان شیبک خان و شاه اسماعیل معرفی می شوند که بیشتر آنها در هنگام آغاز لشکرکشی و یا در زمان جنگ نوشته شده اند. آن چه از این نامه ها باقی مانده، نقل به مضمون است و یا بخش بسیار کوتاهی از آنها

موجود است و کامل نیستند. منابع، تنها دو نامه را به صورت کامل معرفی می کنند که متعلق به رویارویی نظری شییک خان و شاه اسماعیل پیش از آغاز لشکرکشی ها هستند و به عنوان کامل ترین متون موجود در این مقاله بررسی می شوند.

در میان منابع دوره صفویه، متن نامه شییک خان در فتوحات شاهی (امینی هروی، ۱۳۸۳، ۴۵۴-۴۵۳) موجود است. ابتدای نامه و انتهای نامه در این متن حذف شده است. در سایر منابع این عصر، تنها به مضمون نامه و پیام های شفاهی شییک خان اشاره شده است. به نظر می رسد مورخان عصر صفوی به دلیل توهین آمیز بودن این نامه از ثبت آن خودداری کرده اند.

با این حال، متن کامل این نامه در تاریخ منتظم ناصری (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۲/ ۷۵۳-۷۵۲)، منبع مهم عصر قاجاریه باقی مانده است. دکتر عبدالحسین نوائی در هنگام معرفی این متن، منبع آن را دو مجموعه خطی بیان می کند (نوائی، ۱۳۲۴: ۱۳/۲۴).

هم چنین، متن کامل نامه شاه اسماعیل در فتوحات شاهی (امینی هروی، ۱۳۸۳، ۴۵۴-۴۵۹) و خلاصه التواریخ (القمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۰۲-۱۰۸). بیان شده است و سایر منابع تنها به مضمون نامه ها و پیام های شفاهی اکتفا کرده اند. منابع به متن این نامه در مقایسه با نامه شییک خان توجه بیشتری کرده اند. دکتر عبدالحسین نوائی در هنگام معرفی این متن، آن را با عنوان نامه شاه اسماعیل به یکی از سلاطین معرفی می کند و احتمال می دهد خطاب به سلطان حسین بایقرا باشد (نوائی: ج ۲، ۱۳۶۸، ۴۴) ولی در مقاله ای در مجله یادگار، آن را خطاب به شییک خان ازبک معرفی می کند (نوائی، ۱۳۲۴: ۱۳/۲۵). به هر حال، بر اساس گزارش دقیق و واضح منابع و اسناد تاریخی، این نامه خطاب به شییک خان ازبک بوده است.

۴. نامه شییک خان به شاه اسماعیل (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۲/۷۵۲)

۱.۴ اسمعیل داروغه به عنایت بلا نهایت سلطانی شرف اختصاص یافته بداند که

۲.۴ تدبیر امور مملکتداری و تسخیر بلاد و تقمیع اعادی و تکتیر افیاض شاخ خیر ابنا و رونق بقاع خیر جانفرسا از عهد ازل فیاض لم یزل به قبضه اقتدار و انامل اختیار جد بزرگوار سعید شهید ما طاب ثراه و جعل الجنة مثواه تفویض فرموده.

۳.۴ و منبر عدالت و مرحمت در بارگاه رأفت و عطوفت و جهان پناهی به خطبه سیاست ما قیام یافته و سکه شیرمردی در ضرابخانه دلیری و فیروزی به القاب همایون ما موشح گشته و صدای امامت و ندای خلافت از هاتف غیب به ما رسیده.

۴.۴ پس به دلیل معلوم می شود از قول حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و اله که فرمود "الولد سراپیه" مقرر است که میراث پدر به پسر می رسد و مستحق و سزاوار اولادست.

۵.۴ و دیگر از روی اصطلاح عقلی آنکه، شب ظلمانی پیدا شد و ستارگان در آسمان پدید آمدند به تحضیض سهیل از محلی که طلوع نمود یک نیزه تقریباً از سر کوه بالا آمد و رنگ خود را زرد نمود و ساعتی لرزید، از هیبت طلوع نمودن آفتاب چون صبح صادق به میدان آمد به همان محل که برآمده بود فرو می رود و همچنین ظهور ما از جانب مشرق و طلوع او از حد مغرب از طلوع سهیل و آفتاب قیاس کند

۶.۴ و دیگر آنکه چون زیارت کعبه معظمه تشریفاً و تعظیماً رکنی از ارکان اسلام است و فرض بر همه مسلمانان باید که تمامی راههایی که متعلق به راه کعبه معظمه است ساخته و پرداخته نماید، که عساکر نصرت مآثر داعیه نموده اند که به زیارت مشرف شوند،

۷.۴ ساوری و پیشکش حاضر نماید

۸.۴ و سکه به القاب همایون ما در ضرابخانه موشح سازد

۹.۴ و در مساجد جمعه به القاب جهانگیری ما خطبه ملقب سازد

۱۰.۴ و خود متوجه پایه سریر اعلی شود

۱۱.۴ والا که از حکم همایون نفعده الله تعالی فی "مشارق الارض و مغاربها" (اعراف (۷): ۱۳۷). "عدول و انحراف و تمرد و انصراف و رزد،

۱۲.۴ فرزند ارجمند دلبد سعادت مند ینبوع سلطنت و جهانداری، مبارز میدان ظفر اقتداری سیاوش کیکاوس هوش چنانکه واردست. شعر

جوان و جوانبخت روشن ضمیر به دولت جوان و به تدبیر پیر

به دانش بزرگ و به همت بلند به بازو دلیر و بدل هوشمند

ابوالمبارز عمادالدین عبیدالله خان بهادر ابقاء الله تعالی را با جماعتی امرا و لشکریان سرحد بخارا و سمرقند و هزاره و نکدری و غور و غرجستان، به سر او خواهیم فرستاد تا اورا به قهر سیاست مقهور سازند،

۱۳.۴ و اگر چنانکه مسخر نشود، دیگر فرزند خلف نوجوان مقصود سلطنت دوران حافظ بلاد امن و امان والطنیان آنکه مرکب ظفر به هر جانب که راند، از مقصود کشور گشایی به فتح و فیروزی مفتوح گرداند. شعر

دولتش اندر رکاب و فتح استقبال او هرکجا رو می رود جوق ملائک لشکرش
در تک دریا نهنگ از برق تیغش می جهد بیشه‌ها از شیرها خالی ز خوف پیکرش

ابوالفوارس تیمور بهادرخان اطال الله اعمارها با جماعتی امرا و لشکریان سرحد قندز و بقلان و حصار شادمان و بدخشان تا نواحی ترکستان متوجه شوند، تا آن ولایت را به کف اختیار و قبضه اقتدار مسخر سازند

۱۴.۴ اگر چنانکه نعوذ بالله دیگر بار متعذر شود، رایات نصرت شعار فرصت آثار را متوجه خواهیم فرمود.

۱۵.۴ اول فرزند اعز غنچه گل مراد و تسکین جان و قوت جگر و فؤاد، آنکه مشهور شده، ضرب دلاوری او به هرجا، هزبر بیشه هیجا. شعر

ز ضرب سنانش فلک پشت خم اسیر کمندش دو صد شاه جم
درآورد که تیغ چون برکشید سر سرکشان را به خون در کشید

ابوالنصر سونجک محمد بهادر خان اطال الله تعالی، با جماعتی امرا و مقربان تعیین فرمائیم و فرزند دره التاج شجاع الدوران، تمساح جیحون صلابه فی الميدان حمزه بهادرخان در برانغار و فرزند عمده الملك فی الافاق و تهمن بالاستحقاق سلیم الدین مهدی بهادرخان در جوانغار باجماع امرا و دلاوران، عساکر دین که در اندجان و گندبادام و شاهرخیه و تاشکند و شهر سبز و اترار و سیران و اورگنج و خوارزم و جیحون کنار و کاشغر و منقط تا نواحی قبیچاق و غلماق مقرر شده که استادگی نمایند و با مخالفان حربا ضربا نمایند و اعیان دولت که در آن معرکه حاضر باشند پای در وقار در زمین تهور نگاه دارند.

۱۶.۴ باشد، که بتوفیق الله تعالی از خزانه " و ینصرک الله نصرًا عزیزا (فتح (۴۸): ۳)" نصرت استقبال نمایند،

۱۷.۴ اعلام نمایند که در چه محل و مکان مقاومت خواهد بود.

۵. نامه شاه اسماعیل (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۴۵۴-۴۵۹؛ الحسینی القمی، ۱۳۸۳: ۱/۱۰۲-۱۰۸)

۱.۵ بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على رسوله المختار و آله اجمعين و العاقبة للمتقين «و اذكر في الكتاب اسماعيل انه كان صادق الوعد و كان رسولا نبيا و كان يامر اهله بالصلاة و الزكاة و كان عند ربه مرضيا» (مریم (۱۹): ۵۴ و ۵۵)

۲.۵ بعد از اهدای سلام اعلام آنکه مضامین مکتوب شریف به شرف اطلاع و یقین رسید و چنانچه از آن طرف مصرح دلایل ارادت موروثی صمیمی بود، از این جانب محرک سلاسل محبت و مودت قدیمی گردید.

۳.۵ اما با وجود آنکه طریق سلوک و سلوک طریق آباء عظام علیه الدرجات و [اسلاف] فخام سنیة المقامات این جانب از راه تواتر نزد همگنان از ادانی و اقاضی و مطیع و عاصی کمال اشتها و مرتبه اعتبار یافته کیفیت خصوصیه و اختصاص اخلاف این زمره اشراف به اوصاف کریمه و اخلاق عظیمه اسلاف درجه و ضوح پذیرفته استفسار از حقایق بعضی اخبار که همانا از تقریر مسافران خوش آمدگو یا از مجاوران تقرب جو سموع شده باشد، بدیع و بعید و خلاف مقتضای رأی سدید نمود. «و ان کثیرا لیضلون بأهوائهم بغير علم ان ربک هو اعلم بالمعتدین» (انعام (۶): ۱۱۹)

و نهج سیلی واضح لمن اهتدی و لکنما الاهواء عمت فاعمت

۴.۵ مخلص فحوای کتاب و محصل مطاوی جواب آنکه، بر ارباب بصایر و ابصار «کالشمس فی وسط النهار» واضح و آشکار است که به موجب فرموده «لولاک لما خلقت الافلاک» (فروزانفر، ۱۳۷۶: ۴۸۴) تعمیر معموره خاک چون تربیت عوالم پاک به وسیله ظهور اشعه نور محمودی علیه و آله الصلوة و السلام است و برحسب مقتضای رتبه جامعیت بین ختم النبوة و کمال الولاية که هر آینه مقتضی ظهور آثار عموم احکام حکومت دنیوی و مستدعی سطوع انوار شمول سلطنت اخروی است، ایالت ولایت صوری و ولایت

مملکت معنوی خاصه آن حضرت و عترته الطیبه علیه الخصال و اولاد طاهره و آل علیه
الکمال اوست

۵.۵ به تحقیق و تعیین و ادله و براهین مظهر سلطنت عظمی و خلافت کبری غیر ذات
الهی صفات آن سلطان سریر دنیا و آن برهان منیر «أَوْ أذْنِي (نجم ۵۳): ۹» نیست و چند
روزی که بر حسب اختیارات ربّانی و اختیارات زمانی، وارثان این جامعیت و حاکمیت
منصوصه، اعنی ائمه هدی و اجله اولیاء از استدراک حقوق ارثیه خود از ایادی ارباب غصب
و تعصب متقاعد گشته از ننگ اشتراک اهل دنیا نام تسلط و استیلا نمی برده‌اند و خود را در
صدد مقابله اخساء نمی آوردند و بر حسب اشارات عینیّه و اوامر الهیّه، از کمال علو و علو
کمال ایشان بوده نه حاشا به واسطه عجز و زبونی از آن جمع پریشان بیرونی.

۶.۵ اما بحمد الله تعالی چون در این ولا به موجب «لکلّ اناس دولة و دولتنا فی آخر
الزمان (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۱۴۳/۵۱)» از چمن دلگشای خاندان نبوت و ولایت، نهال برومند
وجود این جانب سر سرافرازی کشید، و از مکمن عالم آرای دودمان سیادت و سعادت چراغ
گیتی فروز دشمن سوز این دولت روزافزون که آیت «وَاللّٰهُ مُتِمُّ نُورِهِ (صف ۶۱): ۸» نشان
آن و کریمه «نَارُ اللّٰهِ الْمَوْجِدَةُ (همزة ۱۰۴): ۶» در شأن آن است روشن گشت،

۷.۵ و آثار فحوای «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرُثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ
(انبیا ۲۱): ۱۰۵» از وجنات احوال و اطوار خود مشاهده افتاد، و بی‌خواست زبان
خמוש، هاتف غیبی و سروش به تلقین ذکر «إِنَّا نَحْنُ نُرِثُ الْأَرْضَ وَ مَنْ عَلَيْهَا (مریم ۱۹):
۴۰» گویا شد. منادی تقدیر زبان تقریر به ادای ندای «كَذٰلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ
قَبْلِهَا أُمَّمٌ لِّسَلِّطُوا عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا رَعْدَ (۱۳): ۳۰» گشاد و نوک خامه ملایک صریر کاتبان
تحریر به موجب «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيلَ (مریم ۱۹): ۵۴» در صفایح صحایف
سلطنت کامله الارکان و ایالت عالم و عالمیان رقم این اسم ثبت نمودند و زمانه در نظر اهل
زمان جلوه داد: شعر

در خزانه به قفل حکمت بود زمان دولت ما در رسید و در وا شد

۸.۵ «الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا اَنْ هَدَانَا اللّٰهُ (اعراف ۷): ۴۳»
اکنون وظیفه ارادت کامله و طریقه محبت شامله آنکه به موجب «قُلْ لَا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا اِلَّا
الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبٰى (شوری ۴۲): ۲۳» سررشته محبت آل عبا از دست ندهند و حبال اعتصام

و التزام به عروه الوثقی مصدوق و منطوق «انّی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی فانہما حبلان لا یقطعان الی یوم القیامۃ» (کلینی، ۱۳۸۸: ۱/۲۹۴) « محکم دارند

۹.۵ که هر آینه این شیوه رضیّہ و شیمہ مرضیّہ مستوجب و مستعقب آن خواهد شد که امدادات و ارشادات سنّیہ معنویّہ که در مکتوب ارادت اسلوب نسبت به آبای کرام ولایت مقام ما فرموده بودند، اکنون مقرون به سعادات علیّہ صوریّہ و افادات جلیّہ دنیویّہ گردد.

۱۰.۵ بلا شک هرگاه که معانی ارتباط قدیم تجدید پذیرد و مبانی اختلاط اصلی تأکید یابد، تصدیق اقاویل باطله و توفیق اباطیل کاذبه جمعی کذاب غرضناک بی باک که در سلک «وَ کَذَلِکَ جَعَلْنَا لِکُلِّ نَبِیٍّ عَدُوًّا شَیَاطِیْنِ الْاِنْسِ وَ الْجِنِّ یُوحِیْ بَعْضُهُمْ اِلَیْ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُوْرًا» (انعام (۶): ۱۱۲) « منسلک اند نخواهند فرمود، الحق در این جانب غیر ترویج مذهب ائمه هدی و اجرای احکام شریعت غرّاً و طریقه بیضای مصطفی و مرتضی که آیات بینات کتاب الله و احادیث صحیحہ صریحہ نبوی به تحقیق آن دو شاهد عدل مزکی اند، صورتی دیگر در نظر نمی آید.

۱۱.۵ محبوسان تقلید و تقلد و مسجونان سجن تعبیه و تقید که به افسانه های آبای دون برحسب فرموده «اِنَّا وَجَدْنَا اَبَاءَنَا عَلٰی اُمَّةٍ وَاِنَّا عَلٰی اٰثَارِهِمْ مُّقْتَدُوْنَ» (زخرف (۴۳): ۳۲) « خرسند و پای بند شده اند به غایت منکر و غریب و بدیع و بی تقریب می نمایند «أَفَغَیْرَ اللّٰهِ اٰتَّبَعِیْ حَکْمًا وَ هُوَ الَّذِیْ اَنْزَلَ اِلَیْکُمْ الْکِتَابَ مُفَصَّلًا» (انعام (۶): ۱۱۴) و «اَتَّبَعْتُ مِلَّةَ اَبَائِیْ» (یوسف (۱۲): ۳۸)».

مصراع راه حق این است نتوانم نهفتن راه راست

شعر

زمشرق تا به مغرب گر امام است علی و آل او ما را تمام است

و العجب که آبا و اجداد سلطنت نجاد علی الاعتقاد ایشان بر همین عقیده منجیه و طریقه مهدیه بوده اند «وَ لَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَکْتُمُوا الْحَقَّ وَ اَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ» (بقره (۲): ۴۲)»

۱۲.۵ و بی تکلف ظن غالب آن است که اگر گاهی اظهار خلاف این احق المذاهب نمایند، بنابر تقیه دینیّه و ضبط مصالح امور ملکیه خواهد بود «ذَلِکَ الَّذِیْنُ اُلْقِیْمُ وَ لَکِنْ اَکْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُوْنَ» (یوسف (۱۲): ۴۰)»

۱۵.۵ و اگر در حقیقت این مذهب شایبه‌ای به خاطر خطور کند هر که از علمای وثیق و عرفا و فضلاهی صاحب تحقیق دانند تعیین کرده بفرستند که به دلایل عقلی و نقلی بر او اثبات مدعا حسیب المتقی خواهد شد. «فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ» (انعام (۶): ۱۴۹)»

۱۶.۵ يعلم الله که مقصد اصلی و غرض کلی از ارتکاب امور فانیه دنیوی و تشبث صوری غیر از اشاعه احکام شیعه طاهره و اذاعت آثار فرقه ناجیه که تا غایت انوار اسرار [از] فروع و اصول در حجاب ظلام ظلم مخالفان دین و دولت و معاندان ملک و ملت مخفی و منطقی بوده نبوده

۱۷.۵ و نیت والا و همّت بلند صفوی انما و نهمت ارجمند مرتضوی اعتلا که ارثا و جبلا از تعلق به امور دنییه دنیا و توجه به سلطنت این سرا، تنفر و ابا دارد، ارفع و اعلا از آن است که به زخارف فانیه خسیسه و احکام ردیه خبیثه التفات نمایند. شعر

شکر خدا که باز در این اوج بارگاه طاوس عرش می شنود صیت شهپریم
مقصود از این معامله ترویج کار اوست نی جلوه می فروشم و نه عشوه می خرم
شاهین صفت چو طعمه چشیدم ز دست (شاه) کی باشد التفات به صید کبوترم

۱۸.۵ لله الحمد و المنة که مرئیان توفیق الهی و مؤیدان نامه نامتناهی مضمون رهنمون، «الَّذِينَ يَسْتَجِبُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ» (ابراهیم (۱۴): ۳) « را خاطر نشان ساخته طینه طیبیه ما نموده نقاشان قضا و قدر که مهندسان کارگاه خیر و شرّ و مصوران اشکال نفع و ضررند هیچ رقم از ارقام محبت دنیا و اهل دنیا بر صفحه صحیفه خاطر ما نکشیده‌اند و هیچ نقشی از نقوش دلفریب این شاهد رعنا بر جریده ضمیر منیر و لوح باطن معانی تصویر ما ننگاشته‌اند. شعر

ز کامرانی دوران مخور فریب که چرخ ازین فسانه هزاران هزار دارد یاد
که آگهست که کاوس و کی کجا رفتند که واقفست که چون رفت تخت جم بر باد

۱۹.۵ بلکه از راه خصوصیت و رأفت نبوی و مقتضای «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ» (حجر (۱۵): ۴۲)» دست تصرف ما سوی و ایادی تسلط و تعلق دنیا و عقبی از این جانب منصرف گشته و حافظان عنایت ازلیه و چاوشان سعادت ابدیه به دستگیری «الدنيا

حرام علی اهل الاخره و هما حرامان علی اهل الله» دامن همّت ما را از لوث آرایش به آرایش و آسایش اخروی محفوظ داشته‌اند. شعر

دو گیتی را نخواهد هر که مرد است یکی را خواهد آن کز هر دو فرد است
«رَبُّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ
أَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ (نمل (۲۷): ۱۹)»

۲۰.۵ صورت منع تجّار از آمد و شد این بلاد و دیار چون منافی آیین مروّت و رعیت‌پروری و مابین قوانین فتوت و عدالت‌گستری است، یقین که تجویز نسبت به آن جانب نخواهد فرمود،

۲۱.۵ چه فی الواقع عدم استخبار و تعلّل و تسویفی که در ارسال رسایل و رسل دست داده همانا منشأش بر ضمیر منیر صورت‌پذیر باشد، چه در این ملّت که از هر طرف امواج فتنه و فساد، متلاطم و افواج طغیان و عناد متراکم شده بود، چندان توجه و اشتغال به دفع و رفع اهل زیغ و عدوان و قلع و قمع ارباب بدع و عصیان واقع می‌شد که مجال رعایت این نوع قوانین مستقره و آداب مستمره دست نمی‌داد و مع ذلک وثوق و اعتماد به کمال محبت و وداد قدیمی ایشان چندان داشت که التزام به رسوم اهل عادت حاجت نمی‌دانست، اکنون به مفاتیح توجه ایشان ابواب محبت مفتوح گشته از دیاد تردّد این قافله و امتداد تزیاید این سلسله از سمت انقطاع مصون و از وصمت انصرام مأمون خواهد بود

۲۲.۵ و همچنانکه اشعار فرموده بودند که زیارت بیت الحرام از اعظم شعائر اسلام است «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ (حج (۲۲)، آیه ۳۲)»، هرگاه که توجه فرمایند به اقدام امداد و اسعاد اقدام به وظایف اقبال و استقبال نموده نوعی توجه خواهد شد که بدین بهانه به شرف زیارت آستانه علیّه علویّه حضرت ثامن الائمه الهادیّه - علیه و علی آبائه الصلوات و التحیات - مشرف گردد. شعر

یک طواف درش از قول رسول قرشی تا به هفتاد حج نافله یکسان باشد

۲۳.۵ استادان بنا که جهت تعمیر مساجد و صوامع طلب شده بود چون ترویج و تنقیح بقاع الخیر بر ذمت همّت خورشید ارتفاع ما واجب و لازم است، ان شاء الله تعالی هنگام وصول به نواحی معتبر عراق استادانی که نادره آفاق باشند فرستاده خواهند شد.

۲۴.۵ بواقی حالات و مقالات به تقریر فرید الانامی علّامی محیّ مآثر الاسلامی [زبده] ارباب العلم و العرفان صفوت اصحاب الکشف و البرهان لازال کاسمه احمد و العاقبه و الاولی محول است که بعد الاستفسار و الاستخبار معروض دارد «یا ائیها الناسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» «وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ (انعام (۶): ۹۲)» «وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (انعام (۶): ۱۱۵)» .

۶. موضوع

شناسایی موضوع، نخستین گام برای بررسی نامه ها است. بنابراین ابتدا باید موضوع نامه ها بررسی شود. مهم ترین پرسش هایی که برای شناخت نامه های شاه اسماعیل و شییک خان می توان مطرح کرد، عبارت اند از: ۱- موضوع اصلی نامه های شییک خان و شاه اسماعیل کدام است؟ ۲- این موضوع در آن دوره تاریخی در چه سطحی در سرزمین های اسلامی مطرح بود؟

بررسی نامه خان ازبک نشان می دهد موضوع نامه شییک خان، عدم شایستگی و حقانیت حکومت شاه اسماعیل است. شییک خان بدون حمد و ستایش خداوند و مراحل معمول نامه های دوستانه نامه خویش را آغاز می کند. او در گزاره ۱.۴ در ابتدای نامه، شاه اسماعیل را اسماعیل داروغه خطاب می کند که نشان دهنده عدم حقانیت شاه اسماعیل در نزد او است.

سپس در گزاره ۲.۴ مملکتداری را امری می داند که خداوند به جد وی، ابوالخیر خان ازبک تفویض کرده است. کلماتی مانند عهد ازل نشان دهنده این است که او به گفتمان حقانیت از جانب اهل بیت (ع) در نامه شاه اسماعیل هیچ اعتقادی ندارد.

او که هیچ حقی برای جانشینی اهل بیت (ع) قائل نیست و از این طریق اسماعیل را به مشروعیت نمی شناسد در مقابل حقانیت را از جانب مغولان می شناسد و همان طور که در گزاره ۱.۴ مشاهده شد آن را از جانب خداوند تفویض یافته به ایشان می داند. در گزاره ۴.۴ با تکیه بر سنت به حدیثی از پیامبر (ص) اشاره می کند و مدعی می شود که میراث پدر به پسر می رسد. از این طریق او بر حقانیت خویش تأکید می کند و هم چنین حقانیت شاه اسماعیل را که نسبش از طریق مادر به آق قویونلوها می رسد زیر سوال می برد.

شیبک خان در گزاره ۴. ۵ می‌کوشد تا علاوه بر تأکید بر حقانیت از طریق نسب، دلیل دیگری را برای حقانیت حکومت خود مطرح سازد. او در این گزاره، حکومت خود را چون در قسمت شرقی تری نسبت به حکومت شاه اسماعیل قرار دارد موفق تر و پایدارتر از حکومت شاه صفوی می‌داند. این گزاره نشان دهنده اوج خرافه‌گرایی شیبک خان است که آن را اصطلاح عقلی می‌نامد. به نظر می‌رسد، شیبک خان از موقعیت جغرافیایی حکومتش برای مثال برتری خورشید که از شرق طلوع می‌کند، نسبت به سرزمین‌های غربی سود جسته است.

در ادامه نامه شیبک خان شروع به تهدید می‌کند و در گزاره‌های ۴. ۱۱، ۴. ۱۲، ۴. ۱۳، ۴. ۱۴، ۴. ۱۵، ۴. ۱۶ و ۴. ۱۷ شاه اسماعیل را از جنگ می‌ترساند. او در این گزاره‌ها اعلام می‌کند که قدرتش از شاه اسماعیل بیشتر است و با ذکر نام یاران و فرزندان و اشاره به سرزمین‌های قلمروی خویش، خود را پیروز جنگ احتمالی معرفی می‌کند؛ زیرا بر اساس سنت‌های بدوی حقانیت از طریق خاندان پر قدرت به دست می‌آید. این نام بردن از فرزندان و تعریف از قدرت آنها، طعنه‌ای بر اسماعیل جوان بود که برخلاف سنت‌های بدوی بر اعضای خانواده اش تکیه ندارد. یاران او از قبایل معروف قزلباش بودند که با وجود وفاداری بسیار، از خاندان اسماعیل به شمار نمی‌آمدند.

بررسی نامه شاه اسماعیل نیز نشان می‌دهد که موضوع اصلی نامه او، اثبات حقانیت حکومت صفویه و نشان‌دان توانایی و قدرت وی برای ادامه حکومت است. گزاره ۴. ۵ نامه شاه اسماعیل به طور مستقیم ولایت صوری و ولایت مملکت معنوی را خاصه پیامبر(ص) و عترت و اولاد طاهره آن حضرت می‌داند. در گزاره ۴. ۵ او مجدداً یادآور می‌شود که مظهر سلطنت عظمی و خلافت کبری پیامبر(ص) است و اگر ائمه هدی و اجله اولیاء وارثان حاکمیت منصوبه پیامبر(ص) در صدد رسیدن به حقوق ارثیه خود برنیامده‌اند به خاطر ضعف و ناتوانی ایشان نبوده است. بلکه به سبب اوامر الهی بوده است. در این گزاره کلماتی مانند حاکمیت منصوبه و حقوق ارثیه، تأکیدی بر اعتقادات شیعیان در زمینه نص جلی درباره ائمه پس از پیامبر(ص) است. همچنین کسانی که حکومت را در آن دوران در اختیار داشتند ارباب غصب و تعصب معرفی می‌شوند.

در ادامه، عبارت از چمن دلگشای خاندان نبوت و ولایت، نهال برومند وجود این جانب سر سرفرازی کشید در گزاره ۴. ۶، اشاره به وابستگی شاه اسماعیل به اهل بیت پیامبر(ص)

دارد. هم چنین باتکیه بر گزاره های پیشین اشاره ای به موضوع جانشینی پیامبر(ص) است که به اعتقاد شیعیان به امر خداوند به اهل بیت آن حضرت(ص) واگذار شده است.

در گزاره ۷.۵ او بر طبق آیه ۱۰۵ سوره انبیاء و آیه ۱۹ سوره مریم، خود را کسی معرفی می کند که وارث صالحان است و سلطنت و حکومت خویش را از جانب خدا دریافت کرده است. شاه اسماعیل که در گزاره های پیشین انتساب خود به خاندان پیامبر(ص) را یادآور شده است در گزاره ۹.۵ با اشاره به آیه ۴۳ سوره اعراف و حدیث ثقلین به وظیفه مسلمانان درباره محبت و پیروی از اهل بیت(ع) اشاره می کند. سپس در گزاره ۱۰.۵ این پیروی را زمینه ساز ظهور افادات جلیه دنیویه می داند.

در گزاره های ۱۵.۵، ۱۶.۵، ۱۷.۵ و ۱۸.۵ هدف خود را ترویج مذهب ائمه هدی و اجرای احکام شریعت و راه روش پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) معرفی می کند. هم چنین در گزاره ۱۲.۵ بار دیگر راه حضرت علی(ع) و فرزندانش را راه خویش و بهترین راه معرفی می کند. او در گزاره ۱۲.۵ و ۱۳.۵ مدعی می شود که اجداد شییک خان نیز بر همین روش بوده اند و هرگاه که خلاف آن را بیان داشته اند براساس تقیه و مصالح بوده است.

شاه اسماعیل در گزاره ۱۴.۵ از شییک خان می خواهد که اگر شایبه ای درباره حقیقت مذهب شیعه به ذهنش خطور می کند هرکس از علما، عرفا و فضلا را که می خواهد برای تحقیق بفرستند تا حقانیت شیعه با دلایل عقلی و نقلی بر او اثبات شود. بدین ترتیب پیش از نیمی از نامه شاه اسماعیل دربرگیرنده حق زایی برای صفویه و حق زدایی از ازبکان می شود. بررسی متن نامه ها نشان می دهد که محور اصلی هر دو، حقانیت حکومت است. سابقه تاریخی این بحث پس از اسلام به اجتماع سقیفه باز می گردد. پس از سقیفه، حقانیت و چگونگی به قدرت رسیدن یکی از موضوعات مهم در میان مسلمانان گردید و دو گفتمان سنی و شیعه پیرامون این بحث شکل گرفتند. در میان اهل سنت و جماعت، شیوه های مختلفی که در تعیین خلفای چهارگانه اعمال شد مقبول و پذیرفته شد و به عنوان الگویی برای انتخاب یا انتصاب خلیفه مورد تقلید قرار گرفتند(ولوی، ۱۳۸۰: ۱۲۷). در مقابل گفتمان شیعی، حقانیت حکومت را در نزدیکی به پیامبر(ص) و اعتقاد به نص جلی و خفی درباره امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) و فرزندانش می دانستند(همان: ۱۲۶، ۱۲۷). با به قدرت رسیدن امرا و فرماندهانی که از طریق زور و سلطه به حکومت می رسیدند. بحث امارت استیلا در میان اهل سنت پذیرفته شد. بعدها با تسلط مغولان بر جهان

اسلام و برچیده شدن دستگاه خلافت عباسی در بغداد، جایگاه خلیفه نیز در میان مسلمانان کم رنگ شد. حاکمان مغولی در توجیه جایگاه و حقانیت خویش، مشروعیت خود را از جانب خدا و به سبب نسب می دانستند. این امر تا زمان روی کار آمدن سلسله صفویه ادامه داشت و به عنوان موضوعی مهم در نامه های میان شاه اسماعیل صفوی و شیبیک خان نمود پیدا کرد. جدول ذیل، مهم ترین شاخص های حقانیت حکومت را از دیدگاه شیبیک خان و شاه اسماعیل نشان می دهد.

شاخص حقانیت حکومت در نامه ها	نامه شاه اسماعیل	نامه شیبیک خان
وراثت اهل بیت	۸	
وراثت مغولی		۲
مشیت الهی	۷	۲
گسترش مذهب حق	۵	
نص	۱	
جمعیت خانواده		۵
حاکمیت استغلابی		۷
استناد به آیه های قرآن	۲۵	۲

۷. وجوه بیانی

از دیدگاه فوکو، مولفان هرگفتمان، مفاهیمی تولید می کنند که تنها متعلق به همان گفتمان است و بدین ترتیب، مرز گفتمان خود با سایرگفتمان ها را مشخص می نمایند. از نظر فوکو در برابر هر گفتمانی، گفتمان هایی جدید شکل می گیرد. فوکو این گفتمان ها را با عنوان گفتمان مقاومت معرفی می کند. در واقع از نظر او، گفتمان ها برآیند شرایط، تحولات و اندیشه های درونی هر جامعه هستند.

بر این اساس در این بخش از پژوهش سه سوال اصلی مطرح می شود: ۱- درون گفتمان حقانیت به چه مراجعی صلاحیت داده شده که درباره موضوع اظهار نظر کنند؟ ۲- مولفان گفتمان چه کسانی هستند؟ ۳- نقش اجتماعی فاعلان شناسا چیست؟

با وجود اجماع مسلمانان بر ضرورت حکومت، درباره مبحث حقانیت حکومت، اجماع و اتفاق نظری در میان ایشان وجود ندارد. بنابراین، آرای متعددی درباره صلاحیت مراجع تأیید کننده حقانیت و مؤلفان این گفتمان به وجود آمده است.

با ظهور سلسله صفویه، شیعیان موفق به تشکیل حکومتی شدند که هیچ نوع وابستگی به هیچ یک از حاکمان و قدرتمندان گفتمان تسنن نداشت. در این مرحله، نظریه پردازان و عالمان شیعه برای بررسی حقانیت حکومت صفویان، مباحث متعددی را مطرح کردند که منجر به تقویت گفتمان حقانیت حکومت شیعی گردید. گزاره ۵. ۱۴ نامه شاه اسماعیل، نقش علما را در اثبات حقانیت مذهب شیعه و پذیرش صلاحیت آنان را در اظهار نظر و گفت و گو درباره امور سیاسی مرتبط با دین نشان می دهد.

از سوی دیگر، شییک خان در نامه خویش تلاش می کند با تأکید بر حق حاکمیت موروثی ازبکان بر ایران، از حکومت شاه اسماعیل حق زدایی کند. او در گزاره ۴. ۴ خود را جانشین اجدادش معرفی می کند و با اشاره به حدیث الولد سراییه، حقانیت از طریق وراثت را به دین و مذهب ارتباط می دهد. این گزاره نشان دهنده جایگاه سنت در گفتمان مورد پذیرش شییک خان است.

در مقابل شاه اسماعیل با تسلط بر بخش های وسیعی از سرزمین ایران و استفاده از حمایت شیعیان توانست به تولید گفتمان حقانیت برای حکومت شیعه اقدام کند. به کارگیری کلماتی چون آباء، اسلاف، خاندان، دودمان، حقوق ارثیه، آباء کرام ولایت مقام، ارثا در گزاره های ۱. ۵، ۵. ۵، ۶. ۵، ۱۰. ۵، ۱۶. ۵ اهمیت جایگاه وراثت و نسب را در گفتمان شاه اسماعیل نشان می دهند.

شاه اسماعیل در مقابل به صورت مستقیم در گزاره ۵. ۵ با تأکید بر حق حاکمیت اهل بیت (ع) بر اساس نص، سایر حکومت ها تا آن عصر را نامشروع معرفی می کند. سپس حکومت خود را به سبب سیادت خویش و وابستگی اعتقادی به اهل بیت مشروع می شناسد. او با اشاره به آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» و حدیث «انسی تارک فیکم الثقلین کتاب اللہ و عترتی فانہما حبلان لا یقطعان الی یوم القیامۃ»، حکومت خویش را در سایه این مضامین قرار می دهد.

او هم چنین با اشاره به آیه ۵۴ و ۵۵ سوره مریم در آغاز نامه و بار دیگر در گزاره ۵. ۷، از کلمه اسماعیل در قرآن کریم برای الهی نشان دادن سلطنت خویش بهره می گیرد

و به نوعی این آیه را شامل حال خویش نشان می دهد. او قدرت و حکومت خود را مشیت الهی می داند که در صفحه تقدیر رقم خورده است.

شاه اسماعیل همان طور که در گزاره های ۵-۵ یادآور شده بود که سکوت ائمه و اهل بیت در مقابل غاصبان حقشان بر اساس مصلحت الهی بوده است و به قدرت رسیدن او نیز بر اساس همان مصلحت است در گزاره ۵. ۸ با شعر «در خزانه به قفل حکمت بود/ زمان دولت ما در رسید و در وا شد» بر این امر تأکید می کند.

با بررسی نامه ها مشاهده می شود، نامه شیبک خان بدون نام خدا آغاز شده است که نشان دهنده خشم شدید او نسبت به شاه صفوی است. شیبک خان از همان ابتدای نامه، اسماعیل را داروغه می خواند تا شأن و جایگاه او را در نزد خویش، کوچک نشان دهد. لحن نامه شیبک خان و کلمات آن، نشان دهنده آمادگی او برای جنگ است. در واقع او اعتقاد دارد که به راحتی با استفاده از استیلا می تواند حقانیت خویش را به شاه اسماعیل نشان دهد.

اما نامه شاه اسماعیل با بسم الله الرحمن الرحیم و آیه هایی از قرآن و با لحنی ملایم آغاز می شود. این لحن و کلمات نشان دهنده تمایل شاه اسماعیل به صلح است. هم چنین نشان می دهد که او تمایل دارد از راه گفتگو، حقانیت خویش را اثبات نماید. در متن نامه شیبک خان از ۲ آیه استفاده کرده اما شاه اسماعیل از ۲۸ آیه یاد می کند. این امر می تواند نشانه ای از اهمیت مذهب و جایگاه آن در مشروعیت زایی برای شاه اسماعیل باشد. شاه اسماعیل با استفاده فراوان از آیه های قرآن می کوشد علاوه بر حقانیت، مسلمانی خویش را ثابت کند و نشان دهد که قرآن را قبول دارد.

شاه اسماعیل با ایجاد مفاهیمی تازه در گزاره های ۶. ۵ و ۷. ۵ در حقانیت حکومت خود می کوشد تا مقامی که پیش از این، تنها به ائمه دوازده گانه شیعیان اختصاص داشت به خود نسبت دهد و از این راه حقانیتی خاص برای خویش تعریف کند. در واقع او با تأکید بر این که وارث اهل بیت است، حکومت خود را جایگزینی برای حکومت امام دوازدهم می داند.

شاه اسماعیل با اشاره به آیه «إِنَّا نَحْنُ نُرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا (مریم ۱۹: ۴۰)» حقانیت حکومت شیبک خان را زیر سوال می برد و آینده را از آن اهل بیت (ع) می داند. هم چنین به نوعی خود را در امتداد منجی موعود معرفی می کند.

۸. مفاهیم

برای بررسی چگونگی شکل گیری مفاهیم پراکنده یک گفتمان، باید به بررسی شیوه ارتباط و پراکندگی گزاره های آن پرداخت. از نظر فوکو، سازمان گزاره ها در سه شکل صورت های جانشینی، اشکال همنشینی و رویه های میانجی قابل بررسی است. بنابراین برای تحلیل یک متن باید قواعد تقدم و تأخر گزاره ها، نوع رهیافت شخص در رد یا قبول گزاره ها یا نحوه هم نشینی گزاره های مختلف در کنار هم را بررسی کرد (کچویان، ۱۳۸۲: ۷۱).

در واقع باید به سه پرسش پاسخ داد: ۱- چه قواعدی در صورت بندی گفتمان حقانیت به کار رفته است؟ ۲- کدام گزاره ها از گفتمان های دیگر وارد این گفتمان شده اند؟ ۳- این گزاره ها چگونه به وسیله مولفان گفتمان تأیید یا رد شده اند؟

همان گونه که مشاهده شد مهم ترین گفتمانی که شییک خان و شاه اسماعیل از آن برای اثبات حقانیت خویش استفاده می کنند گفتمان وراثت است. این گفتمان در اشکال گوناگون در دوره های تاریخی در گفتمان حقانیت حکومت ها دارای نقش و جایگاهی اساسی بوده است.

با آغاز حکومت صفویه، شاه اسماعیل کوشید حقانیت حکومت خویش را اثبات کند. در واقع او می کوشید گفتمان جدیدی را وارد گفتمان سنتی شیعه نماید که حکومت را تنها حق ائمه دوازده گانه می دانست. او مدعی بود که چون نسبش به اهل بیت پیامبر (ص) می رسد بنابراین حکومتش در امتداد حکومت اهل بیت و مشروع است. بر طبق این گفتمان، شییک خان که هیچ ارتباطی با اهل بیت ندارد نمی تواند مدعی حکومت باشد. در این نامه، شاه اسماعیل برای اثبات حقانیت خویش در گزاره های ۶.۵ و ۷.۵ به این نکته تأکید می کند که وارث اهل بیت است.

شییک خان نیز بر اساس گفتمان سنتی جامعه مغول، خود را وارث امپراتوری مغول می داند، بنابراین شاه اسماعیل را نامشروع معرفی می کند. در گفتمان مورد قبول شییک خان، هیچ اشاره ای به دین و حقانیت حکومت از طریق جانشینی پیامبر (ص) نمی شود. در گفتمان حقانیت حکومت مورد پذیرش او، شاه اسماعیل هیچ جایی برای حکومت ندارد. چندین گزاره از گفتمان سلطه و استیلا وارد گفتمان حقانیت شییک خان شده است. گزاره های ۴-۱۱ تا ۴-۱۷ از گزاره هایی است که گفتمان سلطه را در کنار گفتمان حقانیت نشان می دهد. بارزترین ویژگی این گزاره ها توسل به تهدید و نشان دادن قدرت برای سرکوب رقیب است.

از دوره میانه به بعد که دوران شکوفایی اندیشه سیاسی است تمام موضوعات سیاسی اهل سنت تحت تأثیر قدرت و اقتدار سلاطین بود. در این دوران، نظریه استیلا به عنوان روشی مشروع از طرف گفتمان تسنن پذیرفته شده بود. این امر تا عصر صفویه ادامه یافت و در آغاز دوران حکومت صفویه، شییک خان ازبک برای اثبات حقانیت خویش، گفتمان استیلا را در مکاتبات خویش به کار می گیرد. گزاره های ۴-۱۱ تا ۴-۱۷ یادآور نظریه استیلا است و کلماتی از نامه ها مانند قهر سیاست، مقهور، قبضه اقتدار، تهور ریشه در گفتمان استیلا دارد.

گزاره ۴.۱ و ۴.۲ نامه شییک خان به خوبی نشان می دهد که در نزد او، میان امامت، خلافت و سلطنت تفاوتی چندانی نبوده است. در گزاره های ۴-۱۱ تا ۴-۱۵ شییک خان با به رخ کشیدن قدرت خود و نام بردن از اعضای خاندانش، جوانی و تازه کار بودن شاه اسماعیل را گوشزد می کند. این عبارات، حضور گفتمان سنتی جاهلیت را در نامه خان ازبک نشان می دهد. تفاخر به تعداد اعضای خاندان و فراوانی جمعیت یکی از مهم ترین ویژگی های این گفتمان بوده که در نامه شییک خان در گزاره های به خوبی مشاهده می شود.

مشیت گرایی یکی دیگر از گفتمان هایی است که به گفتمان حقانیت در این نامه ها راه یافته است. این گفتمان در نامه شاه اسماعیل در عبارت های « مرَبَّیان توفیق الهی و مؤیدان نامه نامتناهی » و « نقَّاشان قضا و قدر که مهندسان کارگاه خیر و شرّ و مصوّران اشکال نفع و ضررتند » و در نامه خان ازبک در عبارت های « از عهد ازل فیض لم یزل به قبضه اقتدار و انامل اختیار جد بزرگوار سعید شهید ما طاب ثراه و جعل الجنة مثواه تفویض فرموده » و « صدای امامت و ندای خلافت از هاتف غیب به ما رسید » مشاهده می شود. گفتمان مشیت گرایی ریشه در سنت های عربی و تقدیرگرایی اهل سنت داشت در گفتمان صفویان و ازبکان راه یافت.

۹. راهبردها

عنصر چهارم صورت بندی گفتمانی، راهبردها (استراتژی ها) است. منظور از راهبردها، نظریه ها و دیدگاه های مطرح در گفتمان است. راهبردها درون گفتمان ها پدید می آیند، تغییر می کنند و گاه جای خود را به راهبردهایی دیگر می دهند. در رابطه با راهبردها پرسش های زیر مطرح است: ۱- چه نظرات و دیدگاه هایی در گفتمان حقانیت مطرح است؟ ۲- کارکرد این گفتمان در حوزه اعمال غیر گفتمانی چیست؟

صفویان در نخستین سال های آغاز حکومت به صورت مستقیم، خود را جانشین اهل بیت می دانستند. گزاره های نامه شاه اسماعیل نشان دهنده تلاش وی برای اثبات جانشینی امام معصوم از طریق وراثت است. او بارها در گزاره های ۵، ۶، ۷ و ۹ به نسبت خویش با اهل بیت تأکید می کند. او در این نامه، اشاره ای به نظریه ولایت فقیه و جایگاه عالمان دینی در رأس قدرت نمی کند درمقابل برارتباط خویش با اهل بیت تأکید می نماید. این امر نشان دهنده، حضور دولت صفویه در مرحله نخست حقانیت سازی برای حکومت خویش است. هم چنین با توجه به آن که پس از سقوط سلسله عباسیان، اندیشه های منجی گرایانه در میان مسلمانان، گسترش یافته بود. صفویان از زمان جنید می کوشیدند سرنوشت خویش را دولت اخراالزمان پیوند دهند. (شیبی، ۱۳۵۹: ۳۷۹-۳۸۸) شاه اسماعیل نیز در این نامه در گزاره ۷، ۵ با اشاره به آیه «إِنَّا نَحْنُ نُرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا (مریم) (۱۹): ۴۰» از این راهبرد برای تأکید بر حقانیت حکومت خویش بهره می گیرد.

۱۰. نتیجه گیری

روش تحلیل گفتمان به عنوان یک روش تحقیق کیفی در سطح گسترده ای از موضوعات سیاسی و اجتماعی در ادوار گوناگون قابل استفاده است. به نظر فوکو، کلید فهم رخدادها گفتمان است و با فهم گفتمان هر دوره است که می توان آن دوره را به خوبی تبیین و تفسیر کرد. برای استفاده از این روش، در پژوهش های تاریخی، مراجعه به اسناد و منابع ضروری است. از دیرباز تا کنون، موضوع حقانیت حکومت یکی از ارکان اصلی نظام های سیاسی بوده است. تمامی حکومت ها در طول تاریخ برای رسیدن به ثبات و تثبیت قدرت به این موضوع می پردازند. این امر در اسناد عصر صفویه نیز به خوبی مشاهده می شود. مکاتبات شاه اسماعیل اول صفوی و شیبک خان ازبک، یکی از اسناد مهمی است که درتبیین گفتمان حقانیت حکومت در سال های نخست شکل گیری حکومت صفویه اهمیت فراوانی دارد. پس از رحلت رسول گرامی اسلام(ص)، ماجرای سقیفه در میان مسلمانان منجر به تولید دوگفتمان حقانیت شد؛ یکی از دیدگاه اهل سنت و دیگری از دیدگاه شیعیان که هر دو تا عصر صفویه امتداد یافتند.

صفویان با رسمی کردن تشیع، جدایی مذهبی و استقلال ایران را در مقابل جهان تسنن بنیاد نهادند و به اثبات حقانیت حکومت خود توجهی ویژه نشان دادند. در مقابل مخالفان ایشان به دنبال اثبات عدم حقانیت صفویان بودند. بررسی متن مکاتبات شاه اسماعیل اول

صفوی و شییک خان ازبک به عنوان یکی از اسناد مهم این دوره، چگونگی اثبات حقانیت حکومت از دیدگاه صفویان و مخالفان ایشان را نشان می دهند.

از آن جا که محور اصلی هر دو نامه، گفتمان حقانیت حکومت است با بررسی آنها به وسیله روش تحلیل گفتمان می توان به برجسته ترین ابعاد حقانیت در هر دوگفتمان در این سال ها دست یافت. در واقع نامه شاه اسماعیل، به اثبات حقانیت حکومت صفویه می پردازد و توانایی و قدرت وی را برای ادامه حکومت نشان می دهد. موضوع نامه شییک خان، نیز عدم شایستگی و حقانیت شاه اسماعیل است. شییک خان در این نامه می کوشد حقانیت حکومت و برتری قدرت خود را به صفویان نشان دهد.

بررسی نامه ها نشان می دهد که مهم ترین عواملی که شییک خان ازبک برای اثبات حقانیت خویش به آنها استناد می کند، عبارتند از: وراثت از جانب مغولان، تسلط بر منطقه شرقی، مشیت الهی، استیلا و غلبه.

هم چنین مهم ترین عواملی که شاه اسماعیل صفوی برای اثبات حقانیت خویش به آنها استناد می کند، عبارتند از: وراثت از جانب اهل بیت پیامبر(ص) با تأکید برحقانیت و ولایت منصوصه اهل بیت، مشیت الهی، پیوند حکومت خویش با منجی موعود، استیلا اما نه به شدتی که شییک خان بر آن تأکید دارد. شاه اسماعیل معتقد بود از راه گفتگو می تواند حقانیت خویش را ثابت کند.

کتابنامه

قرآن کریم

ابراهیم امینی هروی، امیر صدرالدین (۱۳۸۳)، *فتوحات شاهمی*، مصحح محمد رضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

الحسینی القمی، قاضی احمد بن شرف الدین الحسین (۱۳۸۳)، *خلاصه التواریخ*، مصحح احسان اشراقی، چاپ: دوم، تهران: دانشگاه تهران.

خواند میر (۱۳۵۳)، *حبيب السیر فی اخبار افراد بشر*، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، چاپ دوم، تهران: کتابفروشی دبیر خیام.

دریفوس، هربرت و رابینو، پل (۱۳۸۵)، *میشل فوکو فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک*، مترجم حسین بشریه، تهران: نشر نی.

روملو، حسن بیگ (۱۳۵۹)، *احسن التواریخ*، به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران: انتشارات بابک، ۱۳۵۹

زارع، عباس (۱۳۸۰)، *مبانی مشروعیت و قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: موسسه فرهنگ و دانش.

شهرستانی، محمد بن عبد الکریم (۱۳۶۴)، *الملل و النحل*، تحقیق محمد بدران، چاپ سوم، قم: الشریف الرضی.

شیبی، کامل مصطفی (۱۳۵۹)، *تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی فراگزلو، تهران: ۱۳۵۹.

علامه مجلسی (۱۴۰۴.ه.ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.

فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۷۶)، *احادیث و قصص مثنوی*، به کوشش حسین داودی، تهران: انتشارات امیر کبیر.

فوکو، میشل (۱۳۹۲)، *دیرینه شناسی دانش*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان دیده، تهران: نشر نی.

همو (۱۳۹۰)، *تئاتر فلسفه*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان دیده، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

کچویان، حسین (۱۳۸۲)، *فوکو و دیرینه شناسی دانش: روایت تاریخ علوم انسانی از نوزایی تا مابعد تجدد*، تهران: دانشگاه تهران.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، *الاصول من الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مولف ناشناس (۱۴۰۶.ه.ق)، *جهانگشای خاقان*، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

میلر، پیتر (۱۳۸۲)، *سوژه، استیلا و قدرت*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان دیده، تهران: نشر نی.

نوائی، عبدالحسین (۱۳۲۴)، *مکاتیب تاریخی: یک نامه از محمدخان شیبانی و دو نامه از شاه اسماعیل صفوی*، مجله یادگار، ش ۱۳.

نوائی، عبدالحسین (۱۳۶۸)، *شاه اسماعیل صفوی (مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت های تفضیلی)*، چاپ دوم، تهران: ارغوان.

ولوی، علی محمد (۱۳۸۰)، *دیانت و سیاست در قرون نخستین اسلامی: پژوهشی در تعامل اندیشه های کلامی و جریان های سیاسی*، تهران: دانشگاه الزهرا (س).

یورگنس، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۹۱)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.